



الگوی جهاد کبیر در دانشگاه تراز گام دوم انقلاب اسلامی

یونس خداپرست^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

چکیده:

الگوی جهاد کبیر یکی از ارزش‌های اسلامی، و بزرگ‌ترین وظیفه دانشگاه تراز گام دوم انقلاب اسلامی است. تعیین جزئیات الگوی جهاد کبیر، مولفه‌ها و شاخص‌ها مرتبط با آن امر مهمی است که باید در نگاهی نظام‌مند به طراحی الگوی جهاد کبیر در دانشگاه تراز گام دوم مبادرت ورزید. بنابراین هدف اصلی در این نوشتار، طراحی و تدوین یک مدل، برای تشریح چگونگی عملیاتی شدن الگوی جهاد کبیر در دانشگاه می‌باشد. بر این اساس، در تجزیه و تحلیل موضوع از روش توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با هدف تبیین و ترسیم ابعاد و مولفه‌های الگوی جهاد کبیر در دانشگاه استفاده شده است. در این راستا نتایج تحقیق حاکی از این است که الگوی جهاد کبیر در دانشگاه تراز گام دوم به دو دسته تصورات و تصدیقات قابل تقسیم است؛ تشریح بعد تصورات موضوع؛ ناظر بر چیستی و ماهیت جهاد کبیر، الگو و دانشگاه، و بعد تصدیقات ناظر بر، سه متغیر «بینشی، گرایشی و کنشی» است. در بعد بینشی مولفه‌های خدامحوری، ولایت‌مداری، معادباوری و در بعد گرایشی مولفه‌های کرامت، آزادی و اختیار انسان و در بعد کنشی یا رفتاری تبعیت نکردن از دشمن و امر به معروف و نهی از منکر، ترسیم و تبیین شده است.

واژگان اصلی: الگو، جهاد کبیر، دانشگاه تراز گام دوم، انقلاب اسلامی.

^۱ . استادیار علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران. (نویسنده مسئول)
younes.khodaparast@yahoo.com

۱. مقدمه

بررسی مجموعه کلیدواژه‌های به کار رفته توسط حضرت امام خامنه‌ای در دهه اخیر، همچون نرمش قهرمانانه، نفوذ، انقلابی‌گری و «جهاد کبیر»، همه منظومه سیاسی ایشان را تشکیل می‌دهند. با این وجود؛ طرح مسئله‌ی «جهاد کبیر» کلیدواژه‌ی گفتمان ساز است. البته مفهوم جهاد، یعنی جهاد اصغر و جهاد اکبر، در ادبیات دینی و قرآنی ما به فراوانی به کار رفته است. اما مفهوم جهاد کبیر با وجود نص صریح قرآن کریم در آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. امام خامنه‌ای در راستای تبیین همین واقعیت در جمع دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) گفته‌اند: «شما هستید که باید این تاریخ را با عزت‌ش محفوظ نگه دارید؛ شما هستید که این بار مسئولیت را بردوش دارید؛ خرمشهرها در پیش است؛ نه در میدان جنگ نظامی، [بلکه] در یک میدانی که از جنگ نظامی سخت‌تر است. البته ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد؛ بعکس، آبادانی به دنبال دارد، اما سختی‌اش بیشتر است» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۳/۳).

بنابراین برای پیروزی در هر نوع عملیاتی در هر سطح و میدانی با توجه به شرایط محیطی و منطقه‌ای نیازمند بکارگیری سلاح خاص و تجهیزات مختص آن نبرد است. جهاد اصغر جنگ سخت و نیازمند جنگ‌افزارهای مخصوص خود است ولی جهاد کبیر از نوع جهاد علمی، فکری و فرهنگی است و برای پیروزی در این جبهه نیازمند نرم‌افزارهایی است که توانایی مقابله با تهاجم فکری، فرهنگی دشمن را داشته باشد. بطور کلی جهاد اصغر قرار گرفتن در برابر دشمن در میدان رزم است و جهاد اکبر امری فردی و به معنای ایستادن در مقابل نفس سرکش است اما جهاد کبیر امری اجتماعی است.

این مسئله آنجا اهمیت مضاعف می‌یابد که بدانیم، بر اساس یک اصل جامعه‌شناسی در بیانات حکمت‌آمیز امیرالمومنین علی (ع)، «مردم بیش از پدران‌شان به حاکمان خود شباهت دارند!» (شعبه حرانی، ۱۳۷۸: ۲۰۸) بنابراین فقدان تبعیت مردم از دشمن در فضای زندگی شخصی و اجتماعی‌شان،

ارتباط مستقیمی با تفکرات و نوع عملکرد مسئولین در اداره کشور خواهد داشت. از این منظر اولویت اصلی جهاد کبیر، طبیعتاً در حوزه رفتار، تفکرات و عملکرد مسئولین تجلی خواهد یافت. امر به معروف و نهی از منکر مسئولین در این حوزه، یکی از مصادیق بارز جهاد کبیر در حکومت و نهادهای فرهنگی بخصوص دانشگاه خواهد بود. در این راستا آنچه مورد غفلت واقع شده تبیین الگوی جهاد کبیر در دانشگاه است. با این توصیف هدف اصلی این نوشتار تبیین مفهوم قرآنی «جهاد کبیر» و کاربرد آن در دانشگاه است.

سوال تحقیق

الگوی جهاد کبیر در دانشگاه تراز گام دوم انقلاب اسلامی چگونه عملیاتی می‌شود؟

فرضیه تحقیق

الگوی جهاد کبیر در دانشگاه تراز گام دوم به دو دسته تصویری و تصدیقی قابل تقسیم است؛ بعد تصویری بر چیستی و ماهیت جهاد کبیر مبتنی است و بعد تصدیقی بر مبنای سه متغیر «بینشی، گرایشی و کنشی» قرار گرفته است. از لحاظ بینشی مولفه‌های خدامحوری، ولایت‌مداری، معادباوری و از لحاظ گرایشی مولفه‌های کرامت انسانی، آزادی و اختیار انسان و از لحاظ کنشی یا رفتاری تبعیت نکردن از دشمن و امر به معروف و نهی از منکر تبیین می‌گردد.

۲. پیشینه تحقیق

الگوی «جهاد کبیر» در دهه اخیر بر اساس منظومه فکری امام خامنه‌ای مورد توجه و مطالعه قرار گرفته؛ ولی براساس بررسی‌های انجام شده، در کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف تحقیق مستقلی که به شرح الگوی «جهاد کبیر» در دانشگاه تراز گام دوم پرداخته باشد و بازتاب عملی و کاربردی این مساله بر اساس رویکرد قیاسی مبانی تصویری الگو یا تعریف عملیاتی از مفاهیم الگو، جهاد کبیر و دانشگاه تراز گام دوم، همچنین چگونگی طراحی نظری عملیاتی شدن جهاد کبیر با سه متغیر «بینشی، گرایشی و

کنشی» به عنوان پایه‌های نظری الگوی جهاد کبیر در دانشگاه مبنا قرار گرفته است و وجود ندارد؛ در عین حال، در زمینه الگوی «جهادکبیر»، پژوهش‌های انجام شده که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- محسن مطلبی جوتقانی (۱۳۹۷) در کتاب جهاد کبیر؛ اطاعت نکردن از دشمن، به مفهوم‌شناسی جهاد و توضیح انواع جهاد، شاخص‌های اصلی، ابزارها و الزامات جهاد کبیر با دو عنوان دشمن‌شناسی و بصیرت افزایی پرداخته و ابعاد فرهنگی، سیاسی اقتصادی و اجتماعی آن را تعیین کرده است.

- پیمان پورجباری (۱۳۹۷). در کتاب جهاد کبیر در اندیشه امام خامنه‌ای (مبانی، مفاهیم و الزامات) به بازخوانی سخنرانی رهبر معظم انقلاب در خرداد ماه ۱۳۹۵ و تشریح جهاد کبیر در تبیین عدم اطاعت و تبعیت از دشمنان نظام اسلامی در هشت فصل پرداخته است.

- مهدی سیاوشی و سیدمهدی موسوینیا (۱۳۹۸) در کتاب جهاد کبیر، صورت‌بندی مفهومی عدم تبعیت از دشمن در جمهوری اسلامی ایران موضوع تبعیت از دشمن و تاریخچه نفوذ به عنوان اولین حربه جریان استعمار برای تبعیت از آنان پژوهش شده و در دومین بخش به موضوع جهاد کبیر در علوم انسانی پرداخته شده است.

علی اصغر نصیری (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «راهبرد جهاد کبیر در اندیشه امام خامنه‌ای» درصدد پاسخگویی به این مسئله است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، جهاد کبیر به چه معناست و چه ابعاد و کاربردی دارد؟ در پاسخ از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استنباطی استفاده شده است. از مهم‌ترین یافته‌های این مقاله‌ی این است که در اندیشه امام‌خامنه‌ای، جهاد کبیر به معنای عدم تبعیت از دشمن تعریف می‌شود و از دیدگاه ایشان این نوع جهاد، در شرایط فعلی، به عنوان مهم‌ترین راهبرد جمهوری اسلامی ایران در میدانی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به شمار می‌رود.

اسداله کردفیروزجانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ی «واکاوی مبانی دینی جهادکبیر و بازتاب آن در سیاست خارجی» درصدد پاسخ به این مساله است که امکان دارد برخی با تأثیرپذیری از تفکر

در سطح نظام بین‌الملل می‌باشد.

۳. مفهوم‌شناسی

ارائه الگوی جهاد کبیر و عملیاتی کردن آن در دانشگاه نیازمند تدوین و ترسیم ابعاد، مولفه‌ها و ترسیم شاخص‌های آن است. در این بخش ضمن تشریح بعد تصویری* الگو یا تعریف عملیاتی از مفاهیم الگو، جهاد کبیر و دانشگاه تراز گام دوم، به بررسی چگونگی طراحی نظری عملیاتی شدن جهاد کبیر در دانشگاه می‌پردازم.

۱.۳ الگو: در کتب لغت فارسی (دهخدا و معین) معادل‌های واژه «الگو» عبارتند از: مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه؛ اما مشهورترین معادل انگلیسی آن «مدل» است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۲۱). الگو آن چیزی است که در انسان ایجاد انگیزه برای پیروی می‌کند؛ چنانکه در قرآن کریم هم از لفظ «اسوه» و الگو استفاده شده است. قرآن درباره رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب: آیه ۲۱)؛ یعنی در شخصیت رسول خدا، الگوی عالی برای شما وجود دارد. درباره حضرت ابراهیم (ع) نیز قرآن می‌فرماید: «قد کان لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه» (ممتحنه: آیه ۵)؛ یعنی در ابراهیم و آنانکه با او بودند برای شما الگوی عالی وجود دارد. چنانکه ملاحظه شد، قرآن کریم افرادی را که به عنوان الگو ذکر می‌کند، توجهی به شخصیت دنیایی آنها ندارد و شخصیت اخلاقی و انسانی آنها را در نظر می‌گیرد. چنانکه از غلام سیاهی به نام «لقمان» که نه در شمار پادشاهان است و نه در شمار فیلسوفان معمولی و نه در شمار ثروتمندان، بلکه برده‌ای است روشن بین، به نام حکیم یاد می‌کند... (مطهری، بی تا: ۳۵۷). در مجموع، چنانکه از سخنان امام خامنه‌ای نیز استفاده می‌شود، الگو «یک وسیله و معیار و میزانی است برای اینکه آن کاری که می‌خواهد

* تصورات: آن دسته مفاهیم که بدون حکم و به سادگی درک می‌شوند و به تعریف موضوع و محمول قضا یا اختصاص دارند.

انجام [شود]، با آن الگو تطبیق داده شود» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، به مناسبت میلاد امام علی (ع)، ۱۳۸۱/۶/۳۰، <https://www.leader.ir/fa/speech/2313>).

۲.۳. منطق قرآنی و اسلامی جهاد کبیر: جهاد کبیر کلیدواژه‌ی تبعیت نکردن از دشمن را شاید بتوان صریح‌ترین سخن رهبر فرزانه انقلاب در مسیر حفاظت از اصل و اساس انقلاب اسلامی دانست. بنابراین امام خامنه‌ای در سه سخنرانی پیاپی به تبیین این مفهوم بر مبنای قرآن پرداختند و بیان داشتند: «جهاد... فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره مبارکه فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جاهدْهُمْ بِهٖ» یعنی به وسیله قرآن با آنها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده... در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانان مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛... آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است].] فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا؛ اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر... جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، متها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده... یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته... در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن...» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۳/۳).

<https://www.leader.ir/fa/speech/15093>). به علاوه ایشان می‌فرماید:

«می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت. اینجا جای همان جهاد کبیری است... یعنی؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از

دشمن» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۵/۳/۶).

<https://www.leader.ir/fa/speech/15155>). «باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد...قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است». (بیانات در مراسم بیست هفتمین سالگرد امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۹۵. <https://www.leader.ir/fa/speech/15219>).

در تفسیر «المیزان» مضمون آیه ۵۲ سوره فرقان این است که: وقتی مثل رسالت الهی در برطرف کردن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم به وسیله اظهار حق و اتمام حجت مثل آفتاب بود در دلالت بر سایه گسترده و برداشتن آن سایه به امر خدا، و نیز مثل روز بود نسبت به شب و تعطیلی کار در آن، و نیز مثل باران بود نسبت به زمین مرده و چارپایان و انسان‌های تشنه، ناچار، حالا که تو حامل این رسالت شده‌ای، و به سوی همه اهل قریه‌ها مبعوث گشته‌ای، دیگر جا ندارد که از کافران اطاعت کنی، چون اطاعت ایشان تباه‌گر این ناموس عمومی است که برای هدایت قرار داده‌ایم پس باید که در تبلیغ رسالت خود و اتمام حجت بر مردم بوسیله قرآن که مشتمل بر دعوت حقه است نهایت کوشش و جهد خود را مبذول داری و جهاد کنی با آنان جهادی بس بزرگ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۶).

«مجمع البیان» در خصوص این آیه گفته است: و در راه خدا به وسیله قرآن با آنها جهادی شدید کن. از این آیه برمی‌آید که بهترین و بزرگترین جهاد در پیشگاه خدا، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان دین را باطل می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۶). در «تفسیر نمونه» با توجه به حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «ما از جهاد کوچک به سوی جهاد بزرگ برگشتیم» اشاره به همین جهاد و عظمت کار دانشمندان و علما در تبلیغ دین است. این تعبیر عظمت مقام قرآن را نیز بازگو می‌کند، چرا که وسیله‌ای برای جهاد کبیر و سلاحی برنده است، که قدرت بیان و استدلال و تاثیر عمیق و جاذبیتش مافوق تصور و قدرت انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

با این وجود، نگرش قرآن در آیه ۵۲ سوره فرقان، مبتنی بر یک نفی و یک اثبات است. نفی کامل

غربی، گفتمان غالب دانشگاهی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه اسلامی‌سازی دانشگاه فراهم شد؛ تاریخ ایران مانند بستری، تبار انقلاب اسلامی است. نهاد دانشگاه در ایران جایگاه بسیاری بود، برخی که دل در غرب داشتند و برخی که نگاه به شرق دوخته بودند، اما دانشگاه میراث کسانی شد که معتقد به شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بودند. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، بر اساس تصویری که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده‌اند، علاوه بر آنکه باید کشور را به پیش برد، راهکاری برای انسانسازی و تداوم انقلاب اسلامی است؛ دانشگاه تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر میراث اسلامی، به وجود آمد، نهادهای جدیدی در دانشگاه تاسیس شدند و دستاوردهای دانشگاه و نهادهای دانشگاهی مبین پیوند میان فرهنگ اسلامی و جامعه می‌باشند.

از نگاه مقام معظم رهبری «در دانشگاه، هدف دانشجویست؛ یعنی استاد، تحقیق، آزمایشگاه و همه‌ی اینها، برای دانشجویست. آن تحقیقی که در محیط دانشگاه انجام می‌گیرد، برای این است که این نیروی انسانی رشد کند و صلاحیت کاری را که برعهده‌ی یک نیروی انسانی عالم و کارآمد است، پیدا نماید، تا بتواند آن کار را انجام دهد... و آلا دانشگاه برای این نیست که عده‌ی مثلاً این‌جا مستخدم باشند و ارتزاقشان از این‌جا باشد؛ این قهری است، اما هدف این نیست. هدف این است که دانشجو در آن‌جا بتواند به صلاحیت‌های لازم برسد... دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو هست؛... یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادها علمی و این قبیل چیزهاست؛ یکی هم عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم‌سازی معنوی و روحی دانشجو. در دانشگاهها، این دو عنصر بایستی بدون تفکیک از یکدیگر، با قدرت و با ظرفیت کامل کشور، تعقیب بشود... اگر در کار عنصر اول کوتاهی کردیم... دانشگاهی که نتواند علم و تحقیق را به دانشجو منتقل بکند، و نتواند دانشجو را یک عالم، یک استاد، یک صاحب صلاحیت، یک مبتکر، و بالاخره یک مدیر بالفعل برای بخشی از بخش‌های بی‌شمار اداری جامعه بسازد، آن دانشگاه، دیگر دانشگاه نیست... اگر دانشگاه، بیگانه و

جدای از دین باشد، این یک فاجعه‌ی غیر قابل جبران است. غیر قابل جبران، به این معناست که جبران آن، بسیار بسیار تلفات خواهد داشت و مشکلات فراوانی به بار خواهد آورد؛ تا یک وقت آیا جبران بشود، یا نشود. خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان‌سازیش بایستی صحیح حرکت بکند و انسانِ باب هدفهای جمهوری اسلامی بسازد... یعنی ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه‌ی انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم؛ بخصوص این نکته‌ی وابستگی، یعنی همان چیزی که متأسفانه امروز کشورهای کوچک دنیا - کوچک از لحاظ وضع سیاسی و موقعیت سیاسی - و کشورهای سابق به اصطلاح جهان سوم و عمدتاً کشورهای اسلامی، دچار آن هستند و چشمشان به آن طرف است. این وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم - که هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت - اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرا می‌گیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او مخالف است، نرود... دین را باید در دانشگاهها زنده کرد. دانشگاه ما بیدین متولد شده است؛ این که روشن است. دانشگاه به سبک کنونی، از ابتدا بیدین متولد شده؛ یعنی طراحی کردند که دانشگاه، بیدین زاییده بشود. این معنایش آن نیست که فلان مؤسس یک دانشگاه، آدم متدینی بوده یا نبوده؛ اصلاً به آن ربطی ندارد؛ بنای دانشگاه، یک بنای غیردینی، بلکه ضد دینی بوده است؛ مثل روشنفکری کشور ما، که از ابتدا بیدین متولد شده است (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۰/۹/۱۳۷۰، <https://www.leader.ir/fa/speech/597>).

۴. چگونگی طراحی نظری عملیاتی شدن جهاد کبیر در دانشگاه

برای ساختن منطق الگوی تحلیلی، می‌توان به دو شیوه متفاوت استقرایی و قیاسی یا تلفیقی از هر دو عمل کرد، می‌توان ابتدا از تدوین فرضیه‌ها شروع و در مرحله بعدی به مفاهیم پرداخت، یا اینکه راه معکوسی را طی کرد (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۳). با توجه به اینکه نگارنده رویکرد قیاسی (حرکت از کل به

جزء) را در این نوشتار انتخاب نموده است، در این راستا روش قیاسی عبارت است از «ساختن مدلی بر مبنای یک اصل موضوع یا مفهوم کلی که به عنوان پیش فرض تفسیر پدیده موضوع تحقیق انتخاب شده است، آغاز می‌شود. این مدل با استدلال منطقی، فرضیه‌ها، مفاهیم، و شاخص‌ها را می‌سازد که داده‌های مشاهده، باید آنها را تایید کند. در روش فرضی قیاسی ساختن مدل با مشاهده شروع می‌شود. شاخص، سرشتی ترکیبی دارد. بر مبنای شاخص می‌توان مفاهیم و فرضیه‌های تازه‌ای تدوین کرد و بر مبنای آنها مدل را ساخت و آن را با داده‌های واقعی آزمود» (شعبانی، ۱۳۹۴: ۱۳). در این الگو نگارنده بعد از تعریف موضوع و محمول قضیه (مفاهیم)، به صورت سنجه یکی از مولفه‌های هر کدام از ابعاد را ترسیم و بعد از آن شاخص‌های مولفه‌ها را تشریح می‌کند.

بنابراین، برای تحقق مدل، سه متغیر «بینشی، گرایشی و کنشی» به عنوان پایه‌های نظری الگوی جهاد کبیر در دانشگاه مینا قرار گرفته است. به لحاظ بینشی مولفه‌های ولایت‌مداری، معادباوری و از لحاظ گرایشی مولفه‌های خلیفه‌الهی انسان، معنویت‌گرایی و از لحاظ کنشی یا رفتاری تبعیت نکردن از دشمن و امر به معروف و نهی از منکر، تشریح و تبیین می‌گردد.

الف) بعد بینشی: منظور از بعد بینشی، شناسایی مسئله در بعد بصیرت، آگاهی، شناخت و باورهاست. بنابراین باورهای ما باعث شکل‌گیری نگرش و گرایش ما نسبت به یک موضوع می‌گردند.

ب) بعد گرایشی: ارزیابی عمومی از یک رفتار یا یک واقعیت یا یک پدیده است که انسان به برخی اعمال و بعضی پدیده‌ها می‌دهد و برای آن در زندگی ارزش و جایگاه خاصی قائل است. بنابراین میل، رغبت و انگیزش به بعد گرایش انسان ارتباط دارد.

ج) بعد رفتاری: در این بعد، مسئله جهاد کبیر در دانشگاه در حوزه عمل و رفتار بررسی می‌شود که دو عامل اساسی بینش و گرایش موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود.

۵. ارائه مصداقی الگوی جهاد کبیر دانشگاه تراز گام دوم

بعد از طرح نظری الگوی جهاد کبیر در دانشگاه، نیازمند ارائه عینی و عملیاتی از الگوی جهاد کبیر است. در این راستا ارائه الگوی جهاد کبیر در دانشگاه را بر مبنای بعد تصدیقی* در سه گام تشریح خواهیم کرد.

۱.۵. مولفه‌ها و شاخص‌های بعد بینشی جهاد کبیر در دانشگاه

منابع اسلامی جهان‌بینی را بر دو گونه می‌دانند؛ الهی و مادی. تفاوت این دو بینش از اعتقاد به خدا بر می‌خیزد؛ در بینش الهی انسان خدامحور و جهان‌آفرینش را قائم به خود نمی‌انگارد و بر آن است که هر چیز را در جهان، حکمت و تدبیری است و انسان موجودی مسئول است و روزی باید برای آن چه کرده، بازخواست شود. در برابر، بینش مادی، بنیان جهان را بر ماده می‌گذارد و انسان هیچ مسئولیتی در برابر آموزه‌های دینی و فرمان‌های الهی ندارد (مطهری، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۶). بنابراین گفتمان جهاد کبیر ارائه گفتمان درست فکری و فرهنگی بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص) است و در این راستا بینش صحیح این است که باید ابتدا خود را شناخت و با شناخت وجود خود، شناخت خداوند قوی‌تر صورت می‌گیرد در این قسمت مولفه‌ها و شاخص‌های معنوی و اعتقادی جهاد کبیر که در دانشگاه متمر ثمر است مورد بررسی و ترسیم می‌شود.

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
الگوی جهاد کبیر در دانشگاه	بینشی و اعتقادی	۱- خدا محوری و توحیدمحوری	- خدا باوری و خدا گرایی - ایمان و باور به آیات الهی - ایمان به ارزش‌های اسلامی
		۲- ولایت مداری (حکومت شایستگان و صالحان)	- شناخت و باورمندی به جایگاه ولایت - معتقد به دفاع از ولایت

* تصدیقات: دسته‌ای از گزاره‌ها و نظریه‌ها است که درک آنها همراه با حکم و محتاج دلیل و برهان است.

- اطاعت از ولایت		
- ایمان به بازگشت همه انسان‌ها به سوی خدا - اعتقاد به قیامت و جزای بعد از مرگ	۳- معاد باوری	

۱.۱.۵. **خدایم‌محوری:** در باب خدایم‌محوری حضرت امام خامنه‌ای در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی بیان می‌دارد: «..اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ است، مسئله‌ی توحید است؛ «أنا لله و أنا الیه راجعون». مهمترین مشکل دنیائی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است... جدائی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست... وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه‌ی زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد(بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰، <https://www.leader.ir/fa/speech/7626>). جهاد کبیر از ایمان و باور به آیات الهی نشأت می‌گیرد. از این رو، نهج‌البلاغه بی‌ایمانی و بی‌توجهی به دستورات دین را عامل شکست افراد در زندگی شخصی، گمراهی گروه و فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌داند. آنحضرت به هنگام تفرقه در بین بیعت‌کنندگان با خود و گسترش ناامنی در شهر بصره، کوفه و دیگر شهرهای تحت فرمانروایی ایشان می‌فرماید: «راستی شما چه مردمی هستید؟ آیا دینی نیست که متحدتان سازد؟» و یا اینکه در مورد تأثیر بی‌ایمانی و دینداری در جامعه عرب جاهلی می‌فرماید: «حالت‌هایشان مضطرب و دست‌هایشان به خلاف هم در کار و جمعیت‌هایشان در بلایی سخت و جهالتی استوار پراکنده بود. در زنده به گور کردن دختران و پرستیدن بتان و قطع پیوند ارحام و غارت یکدیگر دست و پا می‌زدند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸). این فرمایش نهج‌البلاغه گویای آن است که حداقل در جوامع دینی، ایمان و عقیده مشترک تأمین‌کننده سرمایه اجتماعی لازم برای تأسیس نظام

سیاسی-اجتماعی است.

۲.۱.۵. **ولایت‌مداری:** از نظر شهید بهشتی در زندگی فردی و اجتماعی نخستین تجلی مفهوم ولایت دوستی دو نفر انسان است که ولی یکدیگرند. یک درجه بالاتر پیوند خویشاوندی و خونی علاوه بر پیوند دوستی دو انسان است این ولا به معنای خویشی و خویشاوندی است. **وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ**. این مانند ولایت پدر بر فرزند. یک درجه بالاتر، ولایت اجتماعی یعنی داشتن سرنوشت مشترک در زندگی سیاسی، اقتصادی و نظامی است. ولایت اجتماعی قبل از اسلام در چهارچوب قبیله میان اعراب شدید بود با آمدن اسلام ولایت از قبیله فراتر رود و به جامعه اسلامی مربوط شد. تمام آیات اطیعوا الرسول مربوط به مدینه و وقتی است که رابطه میان مسلمانان و پیغمبر از حد عشق به حد پیشوایی رسید: پیشوایی که باید از او اطاعت کنند یعنی از ولایت به معنی محبت صمیمی آغاز و به ولایت اجتماعی همراه با رهبری پایان یافت بعد از رحلت رسول خدا(ص) ولایت حزبی پیش آمد و در قالب حزب سعد بن عباد، حزب ابوبکر و عمر و حزب علی(ع) متجلی گردید. ولایت رکن دین است اما چه نوع ولایتی؟ اول اینکه زمامدار مسلمان‌ها کسی است که پاکان زبده را خود بخود به سوی خود جذب کند و در کار زمامداری امت، به حریم قوانین اسلامی و اصول اسلامی تجاوز نکند و چنین تلقی شود که او نگهبان این قانون باشد. یعنی، وقتی به او نزدیک می‌شود چندان دلربا نیست اما نزدیکی با او گستاخی نسبت به اسلام ایجاد نمی‌کند. مانند حکومت امام علی(ع) که معصوم است. دوم اینکه حکومت ابوبکر و عمر که معصوم نبودند زبندگان برجسته بطور خودکار به مرکز قدرت نزدیک نمی‌شدند و ناپاکان در فساد غوطه ورنند و پایه حکومت معاویه در زمان عمر در شام گذرانده شد. در درجه سوم حکومت عثمان بود که هر چند خودش در فساد غوطه‌ور نبود ولی نه جذبه‌های زمامداری امام علی(ع) و نه انضباط اجتماعی حکومت ابوبکر و عمر داشت. اما روابط میان او و مردم از نظر ولاء و ولایت اجتماعی طوری بود که زمینه را برای فساد با دیگرها فراهم می‌کرد.

نوع چهارم حکومتی بود که علنی و با پرچم اسلام به جنگ اسلام آمد؛ آن هم با قرآن بر سرنیزه! این حکومت معاویه است (بهشتی، ۱۳۴۱: ۱۸-۷).

با این وجود، کاربرد ولایت در سه جبهه جهاد اصغر، جهاد اکبر و جهاد کبیر بدین شکل است؛ که در جهاد اصغر میدان نظامی مطرح است و در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ایران، به حرف امام گوش گرفتند و خرمشهر آزاد شد و حصر آبادان شکسته شد. در جهاد اکبر میدان درگیری به درون فرد مرتبط است و مرز مشخص نیست و نباید از ولی جدا شویم و چشم گفتن تنها به درد نمی خورد. اما در جهاد کبیر مرز مشخص و دشمن با الگو می آید و میدان جهاد کبیر سبک زندگی است، بنابراین ما در زندگی باید الگوی خود را ولایت و زندگی اهل بیت قرار دهیم. اول هر کاری سراغ ولی و اهل بیت برویم نه هر وقتی که چاره‌ای نداشته باشیم.

۳.۱.۵. معاد باوری: در این زمینه حضرت امام خامنه‌ای می فرماید: قضیه‌ی معاد، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ این که حساب و کتابی در کار است؛ «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره». ملتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی عملی‌اش این معنا باشد... در زندگی‌اش تحول اساسی به وجود خواهد آمد... یکی از ابزارهای مهم ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد - مسئله‌ی جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ و آلا جهاد نخواهد شد... در منطبق عقل ابزاری، از خودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خوب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی می‌کند، عقلانی می‌کند (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

<https://www.leader.ir/fa/speech/7626>). باید اینها جزو الگوی جهاد کبیر در دانشگاه بطور

کامل عملیاتی شود.

۲.۵. مولفه‌ها و شاخص‌های بعد گرایشی جهاد کبیر در دانشگاه

بعد گرایشی جهاد کبیر در دانشگاه دارای مولفه‌ها و شاخص‌هایی به شرح زیر است:

مفهوم	ابعاد	مولفه ها	شاخص ها
الگوی جهاد کبیر در دانشگاه	گرایشی	کرامت انسانی	خلیفه الهی امانت داری احساس مسولیت
		آزادی و اختیار انسان	قدرت انتخاب و تصمیم گیری رهایی از شیطان درون و ستمگر برون (بصیرت) حق و تکلیف

۱.۲.۵. کرامت انسان: انسان خلیفه خدا در زمین است و این مقام منشاء کرامت ذاتی انسان، و انکار این مقام برای انسان؛ طرد حقوق اولیه و ذاتی برای انسان و بی توجهی به منطبق کرامت ذاتی اوست؛ زیرا اگر چنین مقامی برای انسان نباشد، تفاوتی با حیوان ندارد. خداوند در آیه ۳۰ از سوره بقره می فرماید: «روزی که خواست او را بیافریند، اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد. آنها گفتند: آیا موجودی می آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد ریخت؟ او گفت: من چیزی می دانم که شما نمی دانید». به طور کلی، اومانیسیم بیش از پنج قرن است در اروپا شروع شده و وقتی نتوانستند آن را برای کشورهای اسلامی مطرح کنند، گفتند: اومانیسیم، کرامت قایل شدن برای انسان است. قرآن هم برای انسان کرامت قایل است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» در نظر اومانیسیم، مجازات اعدام باید به کلی لغو شود؛ چون با کرامت انسان سازگار نیست. در اوایل انقلاب اسلامی، وقتی قصاص مطرح شد، حقوقدانانی که بیشتر جبهه ملی و نهضت آزادی بودند، اعلامیه ای علیه لایحه قصاص صادر کردند و گفتند: «این قوانین غیرانسانی است و ما باید کرامت و حقوق بشر را بپذیریم» (یزدی، ۱۳۸۹: ۶۶).

خداوند در سوره احزاب، آیه ۷۲ می فرماید: «همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوهها عرضه

کردیم، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن ترسیدند؛ اما انسان بار امانت را به دوش کشید و آن را پذیرفت! همانا او ستمگر و نادان بود» (مطهری، بی تا: ۲۴۹). بنابراین، در استخلاف با توجه به مطالب فوق دو عنصر اساسی امانتداری و احساس مسئولیت نهفته است.

استخلاف در دو مرحله صورت می‌پذیرد: مرحله نخست، مرحله استخلاف جماعت بشری صالح است که در آیه ۵ سوره نساء این مضمون ارائه شده که امواتان را در اختیار سفیهان و نابخردان قرار ندهید و همین گونه است انواع مالکیت‌های عمومی که در اسلام مطرح شده است. مرحله دوم استخلاف افراد است که زمینه مالکیت خصوصی را فراهم می‌کند. استخلاف در این مرحله از سوی جماعت به افراد واگذار می‌شود؛ بنابراین، مالکیتی که با حقوق دیگران متعارض باشد، به رسمیت شناخته نمی‌شود (خیری، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۲۲۳).

۲.۲.۵. آزادی و اختیار انسان: یکی از مزایای انسان بر دیگر حیوانات آزادی و اختیار است. در نگاه اسلام، انسان موجودی مختار و مکلف است. در این نگاه کسی نمی‌تواند بگوید صلاح و رفتار جامعه به من مربوط نمی‌شود، بلکه عدالت‌طلب بودن شهروندان جامعه از جمله دانشگاهها و بصیرت آنها در امور بیرونی و اجتماعی از الزامات الگوی جهاد کبیر است و مضمون آیات و روایات، اندیشه مختار بودن انسان را تایید می‌کند. در برخی از آیات قرآن به مختار بودن انسان در مورد پذیرش هدایت انبیای الهی و آزمایش انسان اشاره شده است: خداوند می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه شاکر باشد یا ناسپاس. قرآن در باره انسان می‌گوید: «بَلْ يَرِيْدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ»؛ انسان می‌خواهد جلو خود را بگشاید. از نظر قرآن علت اینکه مردم به معاد و زندگی پس از مرگ ایمان نمی‌آورند، میل به آزادی بی ضابطه است؛ زیرا اعتقاد به معاد در انسان تعهد و مسئولیت

۱. سوره انسان، آیه ۳.

۲. سوره قیامه، آیه ۵.

ایجاد می‌کند و به زندگی‌اش جهت و هدف می‌بخشد.

بطور کلی اصل آزادی یعنی رهایی از اسارت نفس (شیطان درون) و اسارت ستمگر (شیطان بیرون) و سلطه بیگانه در اراده تصمیم‌گیری در امور مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. همچنین هیچ انسانی از پیش خود بر دیگری ولایت و سلطنت ندارد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. ۱ در اسلام جمله « لا اله الا الله » بزرگترین شعاری است که به وسیله آن برای آزادی انسان و رهایی او از هر نوع بندگی، جز خداوند، تاکید داده است، تا همه مردم حق حاکمیت داشته باشند و در برابر اداره جامعه احساس مسولیت کنند، همان طوری که خداوند طالوت را به عنوان زمامدار بر قوم بنی اسرائیل بر اساس لیاقت، کاردانی و دانایی تعیین کرد. بنابراین، در قرآن موانع این آزادی در بعد بیرونی؛ استبداد، مستکبران و طاغوت‌ها هستند و در بعد درونی؛ خداوند سرنوشت و نعمت‌های هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر اینکه آنان خود تغییر دهند.

۳.۵. مولفه‌ها و شاخص‌های بعد رفتاری جهاد کبیر در دانشگاه

مفهوم	ابعاد	مولفه‌ها	شاخص‌ها
الگوی جهاد کبیر در دانشگاه	کنشی یا رفتاری	تبعیت نکردن از دشمن	اطاعت کامل از دستورات الهی نفی سبیل رهايي خود و جامعه از تسلط فکری و فرهنگی دشمن ایستادگی در برابر دشمن
		امر به معروف و نهی از منکر	تحقق اعتماد و امنیت اجتماعی همبستگی بین دینداری افراد

۱. وَلَا تُكِنُّ عِبَدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

دو عنصر اساسی اراده و اختیار، بینش‌ها و گرایش‌ها هستند. هیچ کار ارادی و اختیاری بدون شناخت و میل تحقق نمی‌پذیرد؛ بنابراین لازمه انجام هر رفتاری این است که انسان آن را بشناسد و سپس، میل و رغبت برای بروز و ظهور آن داشته باشد (مصباح، ۱۳۷۸:۴۳۱). در این گام شاخص‌های بعد رفتاری جهاد کبیر در دانشگاه، دارای دو وجه کلی است و هر دو در ارتباط با یکدیگر در مقابله با دشمنان پیشرفت نظام و انقلاب اسلامی قرار دارند؛ یکی وجه سلبی جهاد کبیر که به تبعیت نکردن از دشمن و نفی سلطه‌گری استکبار مربوط است و دیگری وجه اثباتی یا ایجابی یعنی استحکام درونی قدرت را در بر می‌گیرد که دین اسلام دارای برنامه و طرح مستقلی برای اداره و هدایت بشر و زندگی اجتماعی و سیاسی وی است.

۱.۳.۵. تبعیت نکردن از دشمن: براساس آیات قرآنی از جمله آیه «نفی سبیل» نیز داشتن رابطه با کشورهایی که در صدد بسط نظام استثماری و سلطه بر ممالک اسلامی هستند نهی گردیده است. حال در این شرایط بهتر می‌توان به علل و چرایی طرح «جهاد کبیر» از جانب رهبر معظم انقلاب پی برد. لذا به نظر می‌رسد تکلیف جهاد کبیر و چرایی سخت‌تر بودن آن از جنگ نظامی مشخص است.

مفهوم نفی سبیل یکی از اصول مهم سیاست اسلام است که بر عزت اسلامی تاکید می‌کند و بر اساس آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نسا، آیه ۱۴۱) و خداوند هیچ راهی را برای تسلط کافران بر مومنان قرار نداده است. که این اصل بیانگر دو جنبه سلبی و ایجابی است، جنبه سلبی بدین معنا است در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست و بعد ایجابی مبتنی بر حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی به عنوان وظیفه دینی امت اسلامی است. در فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و نفی قانون کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره)، به قاعده نفی سبیل استناد شده است. در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «تبعیت نکردن آن‌قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه می‌کند. آیه تکان‌دهنده اول سوره مبارکه احزاب: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ؛ [میفرماید] «اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ»! پیغمبر! تقوا داشته

باش و از کافران تبعیت نکن؛ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، ما میدانیم مشکلات تو را، ما می‌دانیم فشارهایی که بر تو وارد می‌کند تا تو را وادار به تبعیت کنند - تهدید می‌کنند، تطمیع می‌کنند - اما شما مراقب امر و نهی الهی باش، اتَّقِ اللَّهَ، حواست جمع باشد. وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ؛ این اطاعت نکردن از کافرین، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند. بنابراین مبارزه در الگوی جهاد کبیر در دانشگاه نیاز به شناخت، آگاهی، دشمن‌شناسی و جریان‌شناسی دارد و در این راه دانشگاه در پی تلاش برای رهایی خود و جامعه از تسلط فکری و فرهنگی است تا دشمن بیش و رفتار او را متاثر نسازد و موفقیت در این عرصه مرهون رصد دائمی و مراقبت پیوسته از آخرین برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی و عملیاتی دشمن است.

هسته اصلی برنامه ریزی دشمن در این میدان تغییر در افکار، باورها، رفتار و کنش مردم و مسولان است. جهاد کبیر به معنای ایستادگی در برابر چنین دشمنی است که می‌خواهد مبانی و اصول فکری گفتمان خود را تحمیل کند. همانطوری که در تهاجم نظامی نیاز به ابزارها و تجهیزات جنگی است، در تهاجم فرهنگی ابزارهایی از جمله اینترنت (هدف عمده جوانان و خواص)، ماهواره (هدف عمده عوام)، کتاب‌های ضد فرهنگی، بازی‌های رایانه‌های (مانند جهنم خلیج فارس که به بازی یا مهدی معروف است)، اسباب بازیهای وارداتی (همانند عروسک باریبی) وجود دارند که تاثیرات اساسی در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی دارد. این هجوم خاموش پایه‌های اعتقادی مردم را هدف قرار داده است و هجمه اصلی به سمت جوانان و نوجوانان است. البته فضای سایبری چاقوی دو لبه است هر چند سررشته آن در دست مستکبران است ولی جوامع هدف نیز از آن در پاتک‌های جنگ نرم بهره می‌برند. نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا را می‌توان در این راستا مطرح کرد و علی‌رغم فیلترینگ رقیب مورد توجه و مطالعه قرار گرفت.

بنابراین مقابله با جنگ نرم دشمن محدود به فیلترینگ و صرفاً اقدامات سلبی نیست بلکه نیاز به کار

ایجابی همانند ایجاد شبکه ملی است و در این زمینه در کشور مطالعات اندیشه‌ای و فلسفه‌ای در باره فضای مجازی انجام نشده، هر چند برخی مقالات توسط آقایان داوری اردکانی، دینانی، اعوانی و خسروپناه نوشته شده، ولی با توجه به اهمیت این مهم نیاز به کارهای اساسی ایجابی است. در این راستا باورمندی برخی متولیان عرصه‌های علمی و فرهنگی کشور به برخی جاذبه‌های ظاهری غرب و بی‌اعتنایی به مفاهیم و مبانی هویتی اسلام در سند ۲۰۳۰، نشانه این است که دستگاهها و متولیان بخش سیاسی و فرهنگی کشور دچار اختلال و بی‌تفاوتی هستند و می‌بایست طرحی نو و به فکر راه‌حل بود، بنابراین امام خامنه‌ای «جهاد کبیر» را لازمه مقابله با جنگ نرم دشمن می‌داند و می‌فرماید: «تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است؛ می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عنصری که در درون او است و مایه اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت. اینجا جای همان جهاد کبیر است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان، ۶/ ۳/ ۱۳۹۵).

همین راستا مفهوم «آتش به اختیار» هم مطرح شده، که از یک سو ناظر به جنگ نامتقارن دشمن است و از سوی دیگر معطوف به آسیب‌ها و اختلالات سیستم فرهنگی کشور است. در نگاه مقام معظم رهبری برخی افراد مکررا می‌گویند برخی اصول قانون اساسی معطل مانده است، اما گویا آنها اصل هشتم قانون اساسی که اصل امر به معروف نهی از منکر است را جزء اصول قانون نمی‌دانند و به این امر توجه نمی‌کنند. بنابراین، نیاز به نیروهای واکنش سریع در قالب هسته‌های علمی، فرهنگی و جهادی کشور است، این نیروها، ارزشی و دارای روحیه انقلابی هستند و مصداق این مطلب سعدی یعنی «مرد بدون لباس بهتر از لباس بدون مرد است» می‌باشند. بنابراین الگو قراردادن کسانی که ارزشی هستند همانند شهیدان بی‌ادعا، که بدون توجه به منافع

شخصی، خودشان را فدای منافع ملی و منافع اسلامی کردند. از ضروریات در جنگ نرم است.

۲.۳.۵. امر به معروف و نهی از منکر: بعد از ایمان و باور به دین و عقیده مشترک، امر به معروف و نهی از منکر مهمترین اصل جهت تحقق اعتماد و امنیت اجتماعی است. به گفته امام علی (ع) «سرپا ماندن دین، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر و اجرای دستورات الهی توسط مردم و حکومت است» به عبارت دیگر از نظر آن حضرت امر به معروف و نهی از منکر پیش شرط تحقق اتحاد بین دینداری افراد و همبستگی و انسجام ایشان بین یکدیگر می‌باشد. چنان که آن حضرت در این زمینه می‌فرماید «کسی که امر به معروف کند، پشت مؤمنان را محکم کرده و آن کس که نهی از منکر کند، بینی کافران را به خاک مالیده است.» بنابراین از نظر نهج‌البلاغه پایه و اساس الگوی جهاد کبیر در اجتماع، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد تا جایی که این فریضه محقق نگردد، اجتماعات سازمان نیافته و قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نخواهند بود. و گرفتار جرم و آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌شوند.

امام علی در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در بین افراد جامعه تأکید دارد که این فریضه پیش شرط نظام و انتظامات جامعه می‌باشد و در این زمینه می‌فرماید: «همانا خدای سبحان مردم دوران گذشته را، که پیش از شما بودند از رحمت خود دور نساخت، جز برای آنکه امر به معروف را واگذاشتند و مردمان را از منکر باز نداشتند. پس خدا بی‌خبرانشان را به دلیل نافرمانی کردن و خردمندیشان را به دلیل مخالفت نکردن با گناه لعنت کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).

واقعیت امر این است که مقاومت و ایستادگی در مقابل کفر و نفاق جهاد عظیمی را می‌طلبد. این مقاومت به صورت زبانی، قلبی و عملی است که می‌تواند به شکل فردی، جمعی و ملی بروز و ظهور پیدا کند که قطعا مطرح کردن آن، تبیین، ترویج و گفتمان‌سازی آن در جامعه به هوشیاری، تحرک اجتماعی و احساس مسئولیت مردم منجر شده و به همین میزان می‌تواند ستم، کفر و نفاق را کاهش دهد و برطرف کند، چه کفر و ستم خارجی و بین‌المللی باشد چه داخلی باشد که امام حسین (ع) با

ستم داخلی و انحراف از دین مواجه بودند با ایستادگی و شهادت خودشان یک پیروزی تاریخی را رقم زدند و دین را حفظ کرده و از تحریف بازداشتند.

۶. چالش‌های عملیاتی شدن جهاد کبیر در دانشگاه

برای اجرایی شدن الگوی جهاد کبیر در دانشگاه چالش‌های بینشی، گرایشی، کنشی وجود دارد اما به دلیل گستردگی بحث که از ظرفیت این مقاله خارج است، چند مورد از آنها را به صورت مختصر تشریح می‌کنم.

۱.۶. حذف معنویت از زندگی: یکی از آسیب‌های سبک زندگی جدید شهری در ایران حذف معنویت از زندگی شهروندان و دلخوش نمودن آن‌ها به برخی عرفان‌های کاذب و یا آیین‌های شرقی است. از دهه ۷۰ شمسی خانواده‌های ایرانی در معرض تهاجمی قرار گرفتند که رهبری آن را تهاجم فرهنگی خواندند. جدی گرفته نشدن این تهدید از سوی برخی مسئولان و عدم فهم صحیح آن توسط گروهی از خانواده‌ها موجب گردید تا دشمنان انقلاب این نوع تهاجم را برخلاف تهاجم فیزیکی بسیار موثر ارزیابی کنند. لذا در دهه ۸۰ آن را در قالب جنگ نرم بازسازی کرده و بصورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند علیه ایران بکار بستند. رهبر انقلاب در تشریح این استراتژی دشمن اینگونه می‌فرماید: «امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوئیم بکلی متفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست... در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند...» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری،

https://www.leader.ir/fa/speech/592.02/07/1388). با وجود هشدار فوق باید اقرار نمود بخشی از خانواده‌های ایرانی اکنون در این دام اسیر گشته‌اند. امام خامنه‌ای در تشریح وظیفه سنگین اهالی فرهنگ و هنر در مبارزه با جنگ نرم و توقف روند فوق می‌فرماید: «یک انسان هنری و فرهنگی وظیفه سنگین و خطیر بازگویی حقیقت و «تبیین و تبلیغ» را برعهده دارد و باید برای درک حقیقت تلاش و مجاهدت کند چرا که در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه و اطراف آن و تشخیص «مهاجم و مدافع» و «دوست و دشمن» دشوار است... در این جنگ نرم وظیفه مجموعه فرهنگی این است که هنر را تمام عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از شعرا، فرهیختگان و اهالی فرهنگ، ۱۴/۰۶/۱۳۸۸، <https://www.leader.ir/fa/speech/5827.14/06/1388>). قطعاً وقتی معنویت از جامعه رخت بریند مفاصد اخلاقی نیز رشد بیشتری پیدا خواهد کرد. بخشی از مشکلات پیش روی دانشگاهها برای پیشگیری از بی‌حجابی و فحشاء ناشی از کم رنگ شدن معنویت در میان خانواده‌های ایرانی است.

۲.۶. کم رنگ شدن اخلاق در جامعه: نگاهی به سبک زندگی کنونی در جامعه گویای این واقعیت است که انسانها به شکلی با یکدیگر برخورد می‌کنند گو اینکه آنها هیچ قرابتی با یکدیگر ندارند و فرزندان حضرت آدم و برادر یکدیگر نیستند. متأسفانه حاکم شدن منطق سودپرستی و ثروت اندوزی بر جامعه بسیاری از اخلاقیات را از میان برده و جای آن را آموزه‌های لیبرالیسم گرفته است. مهمترین شاخصه نظام لیبرال، اهتمام به مالکیت خصوصی است. بر این اساس افراد حق دارند مالک دارایی‌ها و ثروتها و عوامل تولید باشند، آنها را مورد استفاده و کنترل قرار دهند، در معرض خرید و فروش قرار دهند، به شکل هدیه به کار برند و یا به ارث بگذارند. در این سیستم مردم غنی روز به روز غنی‌تر و فقیران نیز فقیرتر می‌شوند... این افراد به خاطر منافع شخصی و نه برای جامعه به شغل کشاورزی تجارت و صنعت روی می‌آورند. نتیجه این حالت به وجود آمدن قطب‌هایی از

سرمایه‌داران قوی و زمینداران غنی می‌شود. براساس این منطق انسانها بجای کمک به یکدیگر در شریط سخت و دشوار می‌کوشند تا به راههایی که می‌توان از طریق آن سود بیشتری بدست آورد توجه نمایند. در حالی پول تبدیل به یک ارزش شده است که نگاهی به حیات ائمه معصوم و سبک زندگی آنان میزان فاصله ایجاد شده در اخلاقیات را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

در جامعه‌ای که اخلاقیات از آن رخ برنند افراد نه تنها توجه به معیشت و زندگی هم نوعان خویش نخواهند کرد بلکه به هنگام بروز اختلاف و نزاع نیز هرگونه اصول اسلامی مثل گذشت، ایثار، بخشش و... را نادیده خواهند گرفت. به میزانی که از نقش نهادهای فرهنگی و بزرگان و ریش سفیدان در حل اختلافات خانواده کاسته گردد وظیفه دستگاه نیروی انتظامی و قوه قضائیه سنگین‌تر خواهد شد. از سوی دیگر شکاف طبقاتی موجب گردیده تا بخشی از نسل جدید بویژه جوانان در صدد کسب راههای کم زحمت برای کسب درآمد برآیند. جرایم مختلف اینترنتی، کلاهبرداری‌ها، قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر، سرقت و... برخی از مشکلاتی هستند که متأثر سبک زندگی غربی در جامعه ایران در حال شیوع پیدا کردن هستند. حال آنکه شواهد تاریخی گویای آن است که در فرهنگ اسلامی و زندگی گذشته ایرانیان دزدی، کلاهبرداری و خرید و فروش مواد مخدر بقدری زشت و غیرقابل پذیرش بوده است که مرتکبین آن از سوی جامعه طرد می‌شدند.

۳.۶. جنگ نرم دشمن: جنگ نرم دشمن در واقع به معنی توسل به مجموعه منابع نرمی است که بدون هرگونه درگیری نظامی، زمینه غلبه بر جامعه و گروه هدف را فراهم می‌آورد و از نوعی قدرت اقتناعی بالا برخوردار است. جنگ روانی، جذب نخبگان، دامن زدن به نارضایتی‌ها، جنگ رایانه‌ای و اینترنتی، براندازی نرم، راه اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، اعتمادزدایی و شبکه‌سازی، تنها بخشی از صورت‌های جنگ نرم هستند. درجنگ نرم، نیروهای موردنیاز - اعم از سربازان و فرماندهان - از درون جامعه هدف به خدمت گرفته می‌شوند و طراحان و برنامه‌ریزان جنگ نرم در پشت صحنه، هدایت

حوزه رفتاری منهای دین عمل می‌کنیم و سبک زندگی در جامعه اسلامی-ایرانی نیست و در مهمانی-ها، پوشش، دخل و خرج، معماری دین را دخالت نمی‌دهیم.

بطور کلی در اقتصاد لیبرالیسم (اقتدار بی‌هویت) که در نیمه‌ی قرن بیستم خصوصیت خود را تغییر داد کسی یا چیزی آمر نیست، نه شخص، نه فکر و نه قانون اخلاقی. بلکه مرجع قدرت سود، الزامات اقتصادی، بازار، افکار عمومی، طرز فکر و محسوسات شخصی است و قانون این اقتدار نامرئی است. مادام که اقتدار فاش وجود داشت تمرد و گردن کشی در برابر اقتدار غیر منطقی دیده می‌شد... حتی اگر تسلیم هم می‌شدم و احساس شکست می‌کردم باز «من» بودم. زیرا من شکست خورده بودم. ولی اگر از تسلیم و تمرد آگاه نباشم، اگر زیر فرمان یک مرجع قدرت بی‌نام و نشان باشم معنای «خود» را از دست می‌دهم و جزئی از «آن» می‌شوم (جهان بزرگی، ۱۳۷۸: ۱۸۰). در دستگاه طاغوتی ارزشهایی بر خلاف ارزشهای توحیدی عرضه می‌دارند که احکام، قوانین و اوامرشان غیر از احکام، قوانین، اوامر و نواهی الهی است. اما مطابق باور اسلامی اموری چون چپاول و تکاثر، مطرود دانسته شده‌اند و در اندیشه حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری نیز موکد توجه خاص ایشان به استراتژی استضعاف زدایی می‌باشد. ولی غفلت از اندیشه و تفکر اسلامی در بعد اقتصادی و اتخاذ رویکرد لیبرالیستی جامعه ایران را متحمل هزینه‌هایی نموده که از جمله آنها می‌توان به عدم تحقق عدالت و توزیع نامتوازن درآمدها اشاره نمود. در این راستا سکولاریسم ساختاری و رفتاری در نظام جمهوری اسلامی نفوذ کرده است و اشرافیگری در عرصه‌های مختلف، الگوی جهادکبیر در جامعه بطور عام و در دانشگاه بطور خاص را با چالش اساسی روبرو کرده است. بنابراین اگر دانشگاه می‌خواهد برای رشد، تکامل و تعالی نیروی انسانی برنامه‌ریزی کند و مدل اقتصادی را، اقتصاد مقاومتی و مردمی کند، اصالتاً باید به ابعاد روحانی وجود بشر و به ستون فقرات اقتصاد مقاوتی یعنی دین توجه نمود و در مرحله اول موانعی را که در راه تعالی روحانی بشر به سوی خدا را سد کرده‌اند از سر راه بردارد و از جمله این

موانع اشرافیگری و اقتدار بی هویت است. در این راستا روحیه انقلابیگری و مدیریت جهادی ضرورت دارد و از دیگر راهکارها، دانش بنیان بودن اقتصاد است که در این باره مقام معظم رهبری در هشتم مرداد ۱۳۹۴ فرمودند: «اگر ما ان شاءالله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود می تواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملت ها خدمت برساند، احساس هویت می کند، احساس شخصیت می کند؛ این درست همان چیزی است که ملت های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند».

۷. نتیجه گیری

با توجه به مباحث فوق، نتایج تحقیق را می توان در قالب نکات زیر خلاصه کرد:

۱. ترویج سبک زندگی توحیدی از طریق آشنا ساختن مخاطبان با مفاهیم اجتماعی قرآن و آموزه های کاربردی دین از مبانی منظومه فکری مقام معظم رهبری است که قبل از انقلاب در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن طی ۲۸ جلسه در مسجد امام حسن مجتبی (ع) مشهد در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ ه.ش. تبیین کرده است. در این راستا در جلسه بیست و دوم تعهد ایمانی به نبوت را در تفسیر سوره مبارکه انفال آیات ۷۲ تا ۷۴ مطرح کردند یعنی بدنبال نبی رفتن و قبول تکلیف کردن می باشد آن کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان شان جهاد کردند و هجرت شرط قطعی قبولی ایمان است. در این زمینه می فرماید: «... یک عده ای مسلمان می شدند، طرز فکر پیغمبر را قبول می کردند، اما حاضر نبودند از مکه بیایند بیرون، میگفتند...مغازه...مشترهای شناخته شده...قوم و خویش...دارم...اینها همه را بگذارم بروم پهلوی پیغمبر؟...نماز...روزه...میخواهد...میگیرم چرا بروم مدینه؟...جامعه

اسلامی نو بنیاد بود باید می رفتند... لذا هجرت شرط قطعی قبولی ایمان بود... آن کسانی که باور کردند و گرویدند و هجرت کردند به مدینه و با مال و جانشان، هردو مجاهدت کردند در راه خدا و همچنین از طرف مقابل آن کسانی که اینها را، که بی سرپرست و بی خانمان بودند، در مدینه پناه دادند و یاریشان کردند اینها بعضی پیوستگان و هم جبهگان بعضی دیگر هستند... مومنین در جامعه اسلامی همین جورند... ولایت یعنی این، پیوستگی کامل...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۹۸-۴۰۰). بر همین اساس مقام معظم رهبری در سومین روز خرداد ۱۳۹۵ در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری و تربیت پاسداری دانشگاه امام حسین (ع) سخن از «جهاد کبیر» به میان آوردند. الگوی جهاد کبیر در دانشگاه امری اجتماعی و مشتمل بر دو دسته تصور و تصدیق است؛ در بعد تصویری تعریف و تلقی از جهاد کبیر یعنی تبعیت نکردن از دشمن در همه عرصه‌ها، میدان‌ها و زمان‌ها است. با توجه به اینکه دشمن در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به دنبال تحمیل الگو و سبک زندگی خاص خود است که با الگوی ارزشی و اسلامی امت اسلام در تعارض است و مقابله با این الگوها جز با روحیه جهادی برگرفته از مدل جهاد قرآنی که همان «جهاد کبیر» است امکان ندارد. در حقیقت کسی که در جبهه جهاد کبیر به دفاع از کیان اسلام و مسلمین می‌پردازد، مجاهد فی سبیل الله شناخته می‌شود. از این رو تشریح ابعاد هویتی الگوی جهاد کبیر در دانشگاه حکایت از خاستگاه اسلامی ایرانی آن دارد.

۲. الگوی جهاد کبیر در بعد تصدیقی مبتنی بر مولفه‌ها و شاخص‌های بینشی، گرایشی و رفتاری است. در بعد بینشی دارای مولفه‌ها و شاخص‌های خدامحوری (خدا باوری)، باور به آیات الهی و ارزش‌های اسلامی، ولایت‌مداری (باور به جایگاه ولایت، دفاع و اطاعت از ولایت)، معادباوری (باور به قیامت و بازگشت به سوی خدا) و در بعد گرایشی مولفه‌ها و شاخص-

های کرامت (امانت‌داری، احساس مسوولیت و خلیفه‌الهی)، آزادی و اختیار انسان (قدرت انتخاب، بصیرت، حق و تکلیف) و در بعد کنشی یا رفتاری تبعیت نکردن از دشمن (نفی سیل، مقاومت در برابر دشمن و بصیرت) و امر به معروف و نهی از منکر (تحقق اعتماد اجتماعی و همبستگی میان دینداران)، ترسیم و تبیین شده است. بنابراین ما باید الگوی جهاد کبیر را بطور خاص در دانشگاه و بطور عام در جامعه، بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محقق بسازیم. از این رو امروز بزرگترین معروف، حرکت جامعه به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی، و بزرگترین منکر نیز سلطه‌پذیری، نفوذ، وابستگی و عقب‌افتادگی است که می‌توان با الگوبرداری از جهاد کبیر امام حسین (ع) این معروف را ترویج داد و با آن منکر مقابله کرد و جامعه را نجات داد. به عبارتی دیگر به دشمن اجازه ندهیم که روایت آن بر افکار عمومی غلبه پیدا بکند همان‌روزی که حضرت زینب کبری با جهاد کبیر تبیین اجازه نداد روایت دشمن از حادثه عاشورا غلبه پیدا بکند.

فهرست منابع:

قرآن

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ۱۹۸.

جهان بزرگی، احمد، (۱۳۷۸). اصول سیاست و حکومت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حسینی بهشتی، محمد، (۱۳۴۱). ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: شرکت سهامی.

خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: صها.

خامنه‌ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، www.farsi.khamenei.ir.

خیری، حسن، (۱۳۹۳). مبانی نظام اجتماعی اسلام، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، به کوشش ستوده و دیگران، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.

شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۷۸) تحف العقول عن ال رسول، ترجمه بهر داد، جعفری، تهران

شعبانی سارویی، رمضان، (۱۳۹۴)، «الگوی فرهنگ دفاع مقدس»، تهران: مکتب.

- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹). جستارهایی در فلسفه علوم انسانی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۸). معارف قرآن، ج ۳، انسان‌شناسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، (بی تا). مقاله‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶). جهانی‌بینی در فلسفه، قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی.
- محمّدی، منوچهر، (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی در بوته آزمون: جنگ نرم بیست ساله و فتنه ۸۸، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.